

Abstract

The purpose of this article is to examine the role of Pakistani intelligence forces in the border security of Iran and Afghanistan and the connection between the terrorist groups Jundallah, Jaish al-Adl, Ansar Furqan, al-Qaeda, Taliban and the role of the Taliban as a means of pressure on Afghanistan. Will be reviewed. There is a close connection between the Taliban and the ISI. Pakistani intelligence cultivates Taliban inside Pakistani schools in religious schools, and apart from that, how does Pakistani intelligence play a role in border insecurity with Iran, Afghanistan? As a result, the hypotheses of the Pakistani information system (ESA) play a significant role in the border insecurity between Iran and Afghanistan. The Pakistani Information System (ESA) plays a significant role in the social insecurity of Iran and Afghanistan. This research is of a fundamental type and according to the nature of the research subject and its theoretical framework, this research can be considered as qualitative-descriptive and analytical type and as a result the Taliban provide strategic interests of the United States, Saudi Arabia, UAE, They are the United Kingdom and especially Pakistan.

Keywords: Pakistan, Taliban, Afghanistan, Iran, border security

تاثیر نیروی اطلاعات پاکستان بر امنیت مرزی ایران و افغانستان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۹

سجاد بهاروند^۱

رضا شیرزادی^۲

سروش امیری^۳

چکیده

هدف این مقاله این است که نقش نیروهای اطلاعاتی پاکستان در امنیت مرزی ایران، افغانستان و ارتباط بین گروه های تروریستی جندالله، جیش العدل، انصار فرقان، القائده، طالبان و نقش طالبان را بعنوان یکی از ابزارهای فشار بر افغانستان و همچنین ارتباط بین طالبان افغانستان مورد بررسی قرار می گیرد. بین طالبان و آی اس آی ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. سازمان اطلاعاتی پاکستان طالبان را داخل خاک پاکستان در مدارس علمیه پرورش داده میکند، و سوا اصلی آن چگونه سازمان اطلاعات پاکستان در نا امنی مرزی با ایران، افغانستان نقش دارد؟ و در نتیجه فرضیه های آن سیستم اطلاعاتی پاکستان (ای اس آی) در نا امنی مرزی ایران و افغانستان نقش بسزایی دارد. سیستم اطلاعاتی پاکستان (ای اس آی) در نا امنی اجتماعی ایران و افغانستان نقش بسزایی دارد. این پژوهش از نوع بنیادی بوده و با توجه به ماهیت موضوع تحقیق و چهارچوب تئوریک آن، می توان این تحقیق را از نوع کیفی - توصیفی و تحلیلی قلمداد کرد و در نتیجه طالبان تامین کننده منافع استراتژیک کشورهای آمریکا، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، انگلستان و به ویژه پاکستان هستند.

واژگان کلیدی: پاکستان، طالبان، افغانستان، ایران، امنیت مرزی

^۱ دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ دانشیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، علوم انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ایران

سازمان امنیت و اطلاعات پاکستان در سال ۱۹۴۸ توسط ژنرال آر کاتومه افسر ارتش انگلیس تاسیس گردید. در ادامه مارشال ایوب خان رئیس جمهور وقت پاکستان در ۱۹۵۰، نقش سازمان اطلاعاتی پاکستان در جهت کنترل سیاستمداران مخالف و تامین منافع ملی این کشور را گسترش داد. طی این سال ها کارکرد سازمان امنیت اطلاعاتی پاکستان به سطح داخلی محدود گردید، اما در زمان حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ این سازمان در سطح بین المللی نیز مورد توجه قرار گرفت، زیرا طی جنگ افغانستان با ارتش سرخ، سازمان امنیت و اطلاعات ارتش پاکستان به عنوان حلقه اتصال حیاتی میان سرویس اطلاعاتی آمریکا و شورشیان افغان در خطوط جبهه مبارزه علیه ارتش اتحاد جماهیر شوروی، مسئول تحویل پول اسلحه آمریکایی به مجاهدین محسوب می گردد. سازمان اطلاعاتی پاکستان با تربیت مجاهدین مبارزه به مدیریت فعایت های آنها پرداخت و در همین راستا حدود ۸۳ هزار نفر از مجاهدین افغانی را بین سال های ۱۹۸۳-۱۹۹۷ پس از آموزش به جهاد افغانستان اعزام نمود. در کنار ارتباط سازمان امنیت و اطلاعات ارتش پاکستان و طالبان، باید به گزاره های مطرح شده در خصوص موضوع پیوند این سازمان با سایر گروه های تروریستی از جمله القاعده به عنوان دلیل دیگر توجه به پاکستان در فرایند جنگ جهانی علیه تروریسم نیز اشاره کرد. برخی معتقد می باشند روابط سرویس اطلاعاتی پاکستان با بن لادن و همراهان تروریست او به قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ باز می گردد. یعنی زمانی که بن لادن پس از ورود به پاکستان به رهبری سرشناس در میان عرب های ساکن پیشاور تبدیل شد. ملاقات افسران این سازمان با بن لادن و همکاری با او به مرور زمان، موجب گسترش پیوندهای دو طرف شد تا جایی که گروهی معتقدند که اسامه بن لادن از طریق ایجاد گروه های تروریستی مانند لشکر طیبه و جیش محمد و نیز همکاری در حادثه هواپیماربایی خطوط هوایی هند در اواخر سال ۱۹۹۹ به اوج رسید. در مجموع می توان گفت، دولتمردان پاکستان معتقد می باشند که حمایت از طالبان در افغانستان برای دستیابی به اهداف بلند مدت استراتژیک می باشد. همچنین این سیاست خواستار تلاش بری تضمین استقرار یک رژیم دوست در کابل است. طبق همین استراتژی، پاکستان به حمایت از طالبان و سیاست های آنها پرداخت و جوانان پشتون آموزش دیده در مدارس و حوزه های مذهبی خود را جهت کمک به طالبان در جهاد علیه ائتلاف شمال راهی افغانستان نمود از این رو معرفی پاکستان به عنوان کشور خط مقدم مبارزه با تروریسم در زمان جرج بوش و نیز طرح استراتژی افغانستان، پاکستان در دولت بار اوبا ما در راستای تبیین جایگاه ویژه اسلام آباد در نبرد علیه تروریسم صورت پذیرفت. برای دولتمردان آمریکا آشکار بود جنگ علیه تروریست بویژه طالبان بدون همکاری پاکستان نتیجه ای در پی ندارد. علت این مهم آن است که مدارس مذهبی تندرو در این کشور نقش مهمی در پرورش تفکرات رادیکال دارند و ریشه طالبان افغانستان و سازمان القاعده ارتباط نزدیکی داشته و به مراکز تربیت و آموزش وجود چنین مؤلفه هایی، پاکستان در استراتژی آمریکا برای جنگ علیه اسلام آباد نیز در کنار کابل به عنوان محیط بحران قرار گرفته است. مناطق خود مختار قبیله ای پاکستان این مناطق قبیله ای در طول مرزهای پاکستان و افغانستان می باشد که بعنوان پایتخت سیاسی افراطی ها و بهشت تروریست در محافل سیاسی مطرح گشته است. از دیگر عوامل مناطق قبیله ای پاکستان وجود مدارس تندرو مذهبی در آن می باشد.

نفوذ نیرو های اطلاعاتی (آی.اس.آی) پاکستان در افغانستان

حضور نیروهای اطلاعاتی پاکستانی در افغانستان، از ابتدای استقلال پاکستان (دهه ۱۹۶۰) آغاز شد. اولین عملیات رسمی آی.اس.آی در افغانستان مربوط به سال ۱۹۷۵ و عملیاتی علیه دولت دموکراتیک خلق در افغانستان، و در حمایت از شبه‌نظامیان طرفدار پاکستان صورت گرفت. در دهه ۱۹۸۰ نیز پاکستان در چارچوب عملیات گردباد در کنار ایالات متحده به طور سیستماتیک حمایت مالی و تسلیحاتی از مجاهدین و نیروهای ضدشوروی انجام داد. خروج نیروهای شوروی و آغاز جنگ‌های داخلی افغانستان و ورود نیروهای طالبان به صحنه افغانستان منجر به ورود نیروهای اطلاعاتی پاکستان و دیگر بخش‌های ارتش این کشور جهت حمایت مالی و لجستیکی به طالبان افغانستان گردید. اتهامات جدی به آی.اس.آی و پاکستان در قبال شکل‌گیری نیروهای طالبانی، اختفا بن‌لادن و حمایت از گروه‌های مخالف دولت مرکزی (پس از یازدهم سپتامبر) وارد شده است که پاکستان علیرغم وجود اسناد بین‌المللی، آنها را رد کرده است. در ادامه به مهمترین اقدامات نیروهای اطلاعاتی پاکستان در قبال تحولات افغانستان اشاره خواهد شد:

پاکستان مدعی است که حمایت دولت وقت افغانستان از شبه‌نظامیان ضدپاکستانی، ذوالفقار علی بوتو را مجبور به اتخاذ تصمیماتی علیه افغانستان کرد. براساس این تصمیم، آی.اس.آی با حمایت از گروه‌های مخالف دولت مرکزی (برهان‌الدین ربانی، احمد شاه مسعود و گلبدین حکمتیار)، سعی در تضعیف آن کرد. اولین عملیات در ۱۹۷۵ و در دره پنجشیر روی داد. در واقع، روی کار آمدن دولت سردار محمد داوود در افغانستان که طرفدار ایجاد پشتونستان و به شدت ضدپاکستان بود، آی.اس.آی را بر آن داشت تا یک برنامه اطلاعاتی منسجم در افغانستان پایه‌ریزی نماید. آنها از یکسو با مخالفان سردار محمد در داخل افغانستان دیدار، و از سوی دیگر با شاه تبعیدی برای رهبری وی بر جبهه مقاومت علیه دولت داوود، تماس گرفتند. در فاز سوم آی.اس.آی با همکاری ساواک که معتقد بود دولت داوود تهدیدی علیه امنیت منطقه است چندین گروه ضددولتی را شکل دادند. در ادامه، سیاست‌های پیدا و پنهان آی.اس.آی منجر به قطع همکاری ساواک در پروژه اطلاعاتی در افغانستان گردید. در ادامه، آی.اس.آی تصمیم به شکل دادن به نیروی مقاومت از میان تبعیدیان افغانستانی ضدداوود گرفت که از مهمترین شخصیت‌های این فهرست می‌توان به احمدشاه مسعود، برهان‌الدین ربانی، صبغت‌الله مجددی، گلبدین حکمتیار، جلال‌الدین حقانی و عبدالرسول سیاف که همگی شخصیت‌های مهم سیاسی در آینده افغانستان هستند اشاره کرد. شکل‌گیری نیروی مقاومت علیه دولت داوود اگرچه منجر به سقوط دولت وی نشد، اما از این نظر حائز اهمیت است که عیار نیروهای مقاومت برای سال‌های بعد از آن، مشخص گردید. مداخله اتحاد جماهیر شوروی در جنگ داخلی افغانستان آغاز رسمی ورود آی.اس.آی و سیا در صحنه افغانستان با هدف هدایت مسلمانان در سراسر جهان برای جهاد علیه نیروهای شوروی در افغانستان است. در این دوره سیا با همراهی آی.اس.آی بیش از ۸۰ هزار نیروی شبه‌نظامی را آموزش و مسلح کرد. ب. رامان، افسر سابق سرویس اطلاعاتی هند («راو») که در حال حاضر در اندیشکده هندی به عنوان پژوهشگر در گروه مطالعات جنوب آسیا مشغول به فعالیت است، مدعی است سیا از طریق آی.اس.آی قاچاق هروئین به افغانستان با هدف اعتیاد سربازان روس جهت کاهش توان نظامی شوروی را سامان داد؛ بعدها این مسیر به صورت

عکس، تبدیل به مسیر قاچاق مواد مخدر از افغانستان به پاکستان گردید.^۲ بعضی تحلیلگران معتقدند که عناصر طالبان و آی.اس.آی، با یکدیگر همکاری دارند و فعالیت هایشان جدا از هم نیست. گزارش‌ها نشان می‌دهد در اواسط سال ۲۰۰۸م. ایالات متحده مدارک موثقی مبنی بر همکاری با طالبان در سطح مقامات عالی رتبه پاکستان جمع‌آوری کرده است. در واقع سرویس جاسوسی ایالات متحده معتقد است آی.اس.آی، از اشخاصی نظیر جلال الدین حقانی، سرکرده گروه حقانی، به عنوان یک دارایی راهبردی بهره‌برداری می‌کند (Johnson and Mason. , ۲۰۰۸)

در دهه ۱۹۸۰ و با قوت گرفتن جنگ در افغانستان تعداد زیادی از افغان‌ها به مرزهای پاکستان هجوم آوردند، آی.اس.آی از ظن آنکه افسران سرویس اطلاعاتی افغانستان («خاد») در میان پناهندگان باشند؛ از طریق «منصور احمد» کاردار سفارت افغانستان در اسلام‌آباد توانست اطلاعات لازم را در این رابطه دریافت نماید. منصور احمد با برنامه نیروهای اطلاعاتی پاکستان به صورت مخفیانه از سفارت خارج، و در ازای در اختیار قرار دادن اطلاعات طبقه‌بندی‌شده در مورد مأموران اطلاعاتی افغانستان در پاکستان، به لندن رفت و تمام تلاش‌های دیپلمات‌های شوروی و افغانستان برای یافتن وی ناکام ماند.^۳

پاکستان از سال ۲۰۰۶ تلاش برای بازگرداندن طالبان به عنوان یک نیروی سیاسی غیرقابل حذف را آغاز کرد. فرماندهان آی.اس.آی با تشویق رهبران طالبان به ادامه نبرد علیه اشغالگر و برپایی چند اردوگاه نظامی در کویته به این هدف خود نائل آمدند و در نهایت با تجدید حیات طالبان، صحنه افغانستان بار دیگر تغییر کرد.^۴

نقش افغانستان در این میان به دلیل مشترکات فراوان فرهنگی، قومی و دینی با هر دو کشور ایران و پاکستان پررنگ است. گرایش نسبی فرهنگی برخی از اقوام افغانستان اکثر متعلق به قوم تاجیک، هزارها و

قزلباش (به ایران و گرایش برخی دیگر) اکثر بلوچها و پشتونها بیشتر به پاکستان است که همین موضوع سبب شده که دو کشور هم‌سایه در تحولات افغانستان بسترهای نفوذ قابل اتکایی به دست آورند و در مواقعی نیز افغانستان حوزه رقابت و نفوذ این دو کشور باشد. (تمنا، ۱۳۹۰: ۱۰۶)

از دیگر چالش‌های ایران و پاکستان در افغانستان؛ حمایت پاکستان از طالبان است. پاکستان با حمایت این گروه ضمن حفظ نفوذ خود قصد دارد در برابر دولتهای ضد پاکستانی در افغانستان، از طالبان به عنوان یک سرمایه راهبردی بهره‌برد؛ اما از نظر ایران، طالبان جریانی منحرف است که با حمایت دستگاه‌های اطلاعاتی برخی از کشورهای منطقه و قدرتهای بزرگ، با تفسیر افراطی از آموزه‌های دینی و اقدامات خشونت‌آمیز، تخریب چهره واقعی اسلام و مهار سیاست‌های ایران را در سطح منطقه دنبال میکند. همچنین، ادام فعالیت گروه‌های بنیادگرا و اعمال اقدامات تروریستی علیه شیعیان و اتباع ایرانی، کشت و ترانزیت مواد مخدر و رقابت دو کشور در افغانستان برای نفوذ در آسیای مرکزی

مهمترین عوامل تاثیر گذار (ای اس ای پاکستان) بر امنیتی مرزی ایران، افغانستان

الف: عوامل سیاسی

به نظر می رسد که اولین و مهمترین عامل در تامین امنیت مرز و وضعیت روابط سیاسی دو کشور همسایه است. در واقع امنیت یا عدم امنیت مرزی تا حدود بسیار زیادی به همین عامل بستگی دارد و بین نوع رابطه ی سیاسی و میزان امنیت مرزی رابطه ای مستقیم وجود دارد. وجود روابط سیاسی حسنه بین دو کشور باعث ایجاد همکاری در زمینه های مختلف از جمله در زمینه تامین امنیت مرزهای دو کشور می شود. در مقابل وجود اختلافات سیاسی عمیق باعث می شود دولت ها نه تنها در جهت تامین امنیت مرز هیچ گونه همکاری نداشته باشند، بلکه هر یک از .. طرفین با به کارگیری همه امکانات خود و از جمله با حمایت و تجهیز مخالفین و دشمنان کشور همسایه سعی در نا آرامی در مرز و ایجاد اختلال در امنیت داخلی کشور مقابل کنند. سرانجام در بدترین وضعیت بحران و سپس جنگ پیش می آید که دیگر امنیت مرزی مفهوم نداشته و کاملاً از بین می رود (خطابی، ۱۳۷۴ : ۶۸). حضور و مداخله قدرت های فرامنطقه ای ویژگی های ژئواستراتژیک و بعضی علایق مذهبی، زبانی و فرهنگی و در بعضی کشورها مساله ی انرژی، سه زمینه ی اصلی حضور قدرت های فرامنطقه ای در خلیج فارس، قفقاز، آسیای مرکزی و حتی پاکستان، افغانستان و آناتولی بوده است. در واقع، حداکثر تراکم حضور قدرت های بزرگ جهان را می توان در مناطق پیرامونی ایران جستجو کرد. با توجه به عدم همسویی و حتی تضاد منافع این قدرت ها با جمهوری اسلامی ایران، حضور قدرت های فرامنطقه ای همواره تهدیدی برای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب شده است و این قدرت ها سعی خواهند کرد با شیوه های مختلف از جمله ایجاد تنش و ناامنی در مرزهای جمهوری اسلامی ایران با همسایگان، به نوعی امنیت و ثبات ایران را به چالش کشند. " حضور ایالات متحده در خاک کشورهای پیرامون ایران برای به چالش کشیدن امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از سیاست های اصلی ایالات متحده در قبال ایران به ویژه در سال های اخیر بوده است. به عنوان مثال حضور ایالات متحده در افغانستان و عراق یکی از عواملی است که در درجه اول بر امنیت مرزها و به تبع آن بر امنیت کل کشور تاثیر خواهد داشت. به رسمیت شناختن گروهک منافقین و دادن پایگاه به آنان در عراق بلافاصله بعد از اشغال عراق توسط واشنگتن، تا سیس پایگاه های نظامی آمریکایی در عراق و افغانستان در جوار مرزهای ایران، آموزش و تجهیز مخالفین حکومت به منظور ایجاد ناامنی در استان های مرزی و دلیل روشنی بر استفاده ایالات متحده از فضای سرزمینی کشورهای همسایه ایران برای ایجاد ناامنی در مرزها و مناطق داخلی ایران است. البته بعضی از کشورهای منطقه ای مانند پاکستان و عربستان نیز در راستای رقابت ها و تعارض دیدگاه ها و منافع با ایران، با مداخله در افغانستان موجب ایجاد ناامنی در مرزهای شرقی ایران می شوند. به عنوان نمونه، تربیت طلبه ها و دانش آموختگان مدارس مذهبی افغانی تحت تاثیر تعالیم برگرفته از مدرسه های دینی عربستان و پاکستان، باعث ایجاد دیدگاهی ضد شیعی و حتی ضد ایرانی در میان این طلبه ها شده به طوری که رافضی و ملحد دانستن شیعیان جزو اولین آموزش های مرسوم و متداول بین گروه های

جماعات تبلیغی پاکستان و عربستان به شمار می رود. طرح ها و سیاست های دولت ها در مورد کنترل مطلوب مرزها طرح ها و سیاست های کشورها در مورد کنترل مطلوب و موثر مرزهای خود اهمیت بسیار زیادی دارد. سیاست دولت ها در راستای کنترل مطلوب مرزها به چندین صورت می باشد، که به اختصار به بررسی آنها می پردازیم. یکی از الزامات کنترل مرزها، ساماندهی مطلوب نیروی انسانی و تجهیزات فیزیکی در مرزهاست به نحوی که مرزبانان بتوانند در تمامی نقاط حساس حضور موثر و سریعی داشته باشند. به نظر می رسد دلایل متعددی از جمله کمبود با ساماندهی نامناسب نیروی انسانی، عدم پشتیبانی مناسب نیروهای مرزی در زمینه امکانات و تجهیزات متناسب مرز و ... در عدم حضور به موقع و سریع نیروهای مرزی در مناطق حساس موثر باشد.

عوامل موثر در امنیت مرزی و بررسی مرز سیاسی به پدیده ای فضایی اطلاق می شود که منعکس کننده ی قلمرو حاکمیت یک دولت بوده و مطابق قواعد خاص، در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا با نشر افکار مانع ایجاد می کند. مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک دولت ملی را مشخص می کنند مرز، عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی با یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۱۹۵، Dikshit). مرزهای سیاسی دارای کارکردهای متفاوتی هستند؛ از جمله جداکنندگی، یکپارچه سازی کشمکش، ارتباط و غیره؛ اما مهمترین نقش مرز ایجاد مانع در برابر حرکت انسان، انتقال کالا و تفکرات است که از آن تحت عنوان امنیت مرزی یاد می شود. امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هر گونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل و نقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه های مجاز مرزی است. امنیت مرزها، پشتوانه ای محکم برای امنیت با ابعاد متنوعش در داخل کشور است و هر گونه ناامنی در مرز قادر است در سیستم های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد کند.

ب: عوامل جغرافیایی

تاثیر ویژگی های جغرافیایی بر کنترل مرزها طول مرزهای ایران بالغ بر ۸۷۳۱ کیلومتر است که منطبق بر ده ناحیه فیزیو گرافیک اصلی شامل: مناطق کوهستانی، کوهپایه ای، کویری، باتلاقی، مردابی، رودخانه ای، جنگلی، استپی، دریاچه ای و دریایی است (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۲۲۱). تنوع جغرافیایی مرزی ایران (خشکی، آبی، کوهستانی، کویری) نیازمند تدابیر دفاعی و امنیتی متفاوتی است.

پ: عوامل اقتصادی

وجود اختلاف فراوان در قدرت اقتصادی دو کشور همسایه که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا، خدمات و تسهیلات و بازار کالا در دو سوی مرز می گردد، باعث خواهد شد تا اغلب اتباع کشوری که از توان اقتصادی ضعیف تری برخوردار هستند، اقدام به قاچاق کالا و یا تردد غیر قانونی از مرز به منظور استفاده از بازار کار و همچنین استفاده از خدمات و تسهیلات موجود در آن سوی مرز کنند. این وضعیت در بسیاری از نقاط جهان وجود دارد، چنان که یکی از دلایل اصلی نامتی در منطقه ی مرزی مشترک آمریکا و مکزیک همین مساله است و سالانه

میلیون ها مکزیکی جوای کار و زندگی بهتر (استفاده از خدمات اجتماعی و رفاهی) به طور غیر قانونی از مرز بین آمریکا و مکزیک عبور می کنند و در مقابل، تعداد زیادی از جنایت کاران، قانون گریزان و بزه کاران آمریکایی برای فرار از مجازات به طور غیر قانونی از منطقه مرزی دو کشور عبور می کنند. از این رو خط مرزی بین دو کشور از دیرباز یکی از ناامن ترین مناطق جهان به شمار می رود (عندلیب، ۱۳۸۰: ۴۴) یکی از عوامل اصلی افزایش عبور غیر مجاز افراد، قاچاق کالا و مواد مخدر از طریق مرزهای شرقی ایران وجود اختلاف سطح .. تو سعه و در آمد بین دو کشور و فقر و بیکاری شدید موجود در کشور افغانستان است. .

کمبود زیر ساخت های توسعه و ضعف بنیان های اقتصادی در مناطق مرزی یکی از ویژگی های اصلی مناطق مرزی، دوری از مرکز کشور است. این مساله ی جغرافیایی که از طبیعت مناطق . مرزی ناشی می شود، پیامدهای نامطلوبی را برای مناطق مرزی به همراه دارد که مهمترین آن، محرومیت شدید و حاشیه ای بودن این مناطق و قرار نگرفتن آنها در مسیر امواج توسعه کشور است. دوری از مرکز جغرافیایی کشور که به معنای دوری از مراکز تصمیم گیری سیاسی، اداری، قضایی و اجرایی کشور است، باعث می شود مناطق مرزی هم به این دلیل و هم به دلیل فقدان قابلیت های جمعیتی و صنعتی در این مناطق کم تر در جریان برنامه های توسعه داخلی قرار گیرند؛ بنابراین این مناطق از محرومیت شدیدی رنج می برند. به عنوان مثال، در ایران محرومترین استان های کشور، دورترین آنها از پایتخت است؛ مانند استان های سیستان و بلوچستان، ایلام، هرمزگان و حتی در بعضی مناطق مرزی، محروم ترین نواحی مرزی دورترین آنها از مراکز منطقه مرزی هستند، مانند نهبندان در استان خراسان جنوبی. (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۰۲۰) بی شک وجود محرومیت های شدید اقتصادی و بیکاری فراوان در مناطق مرزی در افزایش عبور غیر مجاز افراد، قاچاق کالا و اموری دیگر که به نحوی بر امنیت مرز تاثیر نامطلوبی دارند، تاثیر شگرفی دارد. بر اساس تحقیقات انجام شده، امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه ای مستقیم و دوسویه با یکدیگر است. به عبارت دیگر توسعه و امنیت، تاثیرات متقابلی در مناطق مرزی بر هم دارند، به گونه ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه تاثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می گذارد و بالعکس، به این ترتیب مناطق دارای شاخص های بالای توسعه از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته تر برخوردارند. بر اساس تحقیقات انجام شده در مورد ایران و بعضی کشورهای جهان (مکزیک و آمریکا) مشخص شده است که مناطق مرزی (مناطق حاشیه ای) از عقب مانده ترین و در عین حال ناامن ترین مناطق هر کشور محسوب می شود چرا که جولانگاه فراریان از قانون، قاچاقچیان مواد مخدر و ... است. (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۰۵) و کشورهایی که درگیر مسایل ناامنی در مناطق مرزی خود بوده اند دریافته اند که عمده ترین مسائل مربوط به این ناامنی ها، ناشی از شرایط توسعه نیافتگی و پیامدهای تبعی آن بوده است. به عبارت دیگر شرایط فقط و تنگدستی در این مناطق می تواند محیط مناسبی جهت بروز ناامنی ها و تحریک دشمنان در بهره برداری از سر پل های به وجود آمده در این مناطق گردد. الف) بحران در هیدروپولیتیک خاوری ایران : عدم اجماع در مرز بندی رود هیرمند و هامون ، کاهش دائمی میزان آب توسط سالانه هیرمند در بخش های دلتا از ۶۰۰۰ متر مکعب در ثانیه (در سال ۱۹۹۰) به ۳۰۰۰ متر مکعب در ثانیه (در سال ۱۹۹۳) و حدود ۴۵ متر مکعب در ثانیه (در سال ۱۹۹۴) و فراخوان طالبان از شرکت های خارجی برای احداث سد کمال خان بر روی هیرمند (مجتهد زاده، ۱۳۷۷: ۱۰-۹) و در نهایت ، اهمیت روز افزون آب به دلیل وجود بحران آب

در خاورمیانه، مناطق کشاورزی شرق کشور ایران و از جمله ۱۴۰ هزار هکتار از زمین کشاورزی زابل را تهدید می کند بدیر منظور وزارت خارجه کشور در بیانیه ای با استناد به مدارک و شواهد کافی اعلام کرده است که طالبان مسیر رودخانه هیرمند ایران را بسته است (روزنامه ایران، ۱۳۸۰: ۱۶) ب) پروژه های نفتی: شرکت یونوکال آمریکا و شرکت های دلتا ی عربستان با ارائه طرح احداث خط لوله نفت از آسیای مرکزی به دریای عمان، در صددند تا نه تنها ایران را منزوی کنند بلکه از رسیدن بهره اقتصادی به این طرح به ایران جلوگیری کنند در صورتی که از نظر استراتژیکی و همچنین اقتصادی، راه ایران بهترین بدیل موجود است و طالبان هم بهره مادی از این طرح می برد و در راستای سیاست آمریکا و عربستان و پاکستان با تاسیس این خط لوله موافق است این مورد از موارد استراتژیکی منطقه به حساب می آید (نصری، ۱۳۷۷: ۲۴)

۳) تهدید ناشی از کشت و حمل و نقل مواد مخدر توسط گروه های تروریستی برای ایران: منطقه گذرگاه خیبر در کشور های پاکستان و افغانستان از دست نیافتنی ترین دژهای مواد مخدر به شمار می رود این منطقه حدود ۷۰ درصد از هرویین مورد نیاز اروپا را تامین می کند و در آمد سالانه آن برای تولید کنندگان به حدود ۳۵ میلیارد دلار می رسد چرا که قیمت هر کیلو مواد مخدر در آنجا بین ۴۰ تا ۸۰ دلار است در حالی که بهای هر کیلو گرم گندم ۲۵ سنت است (بی نا، ۱۳۷۹: ۲۰) از آنجا که ایران نزدیک ترین و کم هزینه ترین مسیر برای انتقال مواد مخدر به اروپا و آسیای میانی است آسیب پذیر تر از دیگر کشورهای منطقه نیز هست کنترل مرز ۹۴۵ کیلومتری ایران-افغانستان مستلزم صرف هزینه گزافی است. دولت ایران تاکنون برای کنترل صحراها و کویرهای خراسان و سیستان و بلوچستان، در حدود ۵۰۰ میلیون دلار هزینه کرده است، مسدود کردن گذرگاه ها، حفر خندق عریض و احداث ۲۰۰ برج دیده بانی از جمله اقدامات امنیتی و پیش گیرانه است که ایران به انجام رسانده است واز این پس باید همواره براین حجم بیافزاید (نصری، ۱۳۷۷: ۱۹)

ت:عوامل هویتی، مذهبی

اشتراک قومی و مذهبی مرزنشینان دو طرف مرز یکی از ویژگی های به نسبت عمومی و جهان شمول مناطق مرزی داشتن تنوع قومی، اجتماعی و فرهنگی است. این پدیده ناشی از قانون تراوش و انتشار بین مناطق جغرافیایی مجاور است. براساس این قانون، بخشی از جمعیت یک منطقه به منطقه مجاور مهاجرت کرده و ویژگی های خود را به آن سوی مرز منتقل می کنند. این پدیده به مرور زمان در مناطق مرزی باعث تشکیل گروه های قومی، اجتماعی و فرهنگی می گردد که در نهایت با ویژگی های قومی، اجتماعی، فرهنگی جمعیت آن سوی مرز مشابه و با ویژگی های جمعیت مرکز کشور متفاوتند. مهمترین مساله در مورد اشتراک مذهبی، قومی و فرهنگی بین ساکنین دو سوی مرز که تاثیر مستقیمی بر امنیت مرز دارد، میزان همگرایی یا واگرایی قومی فرهنگی این گروه های اجتماعی مرزنشین با حکومت مرکزی است. (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۶۸). با توجه به این که دنباله های قومی و مذهبی اکثر ساکنین مناطق مرزی ایران در آن سوی مرز قرار دارد، در صورت واگرایی این گروه ها از دولت مرکزی و همگرایی با آن سوی مرز مشکلات امنیتی زیادی در مناطق مرزی ایران وجود خواهد داشت،

ث: عوامل مرزی

یکی از نقاط حساس و مورد اختلاف در مرز ایران و افغانستان جایی است که مرز دوغارون نامیده می شود. در این منطقه قطعه زمینی به مساحت حدود ۳۰ هکتار، مورد اختلاف ایران و افغانستان است و به همین دلیل منطقه گمرک دوغارون در بعضی موارد حساس موجب بروز تحرکاتی در حد صف آرای نیروهای مرزبانی و پلیس مرزی ایران و افغانستان می شود. حل این اختلاف یک ضرورت حیاتی است. کمترین بهانه ای می تواند به فعال شدن این اختلافات میان دو کشور منجر شود. حل اختلاف مرزی در گمرک دوغارون برای حل اختلاف مرزی در گمرک دوغارون گذشته چند راهکار سیاسی مبتنی بر واقع گرایی وجود دارد که ایران می تواند با کشور افغانستان برای حل آن وارد عمل شود در درجه اول منطقه مورد اختلاف به همان شکلی که هست علامتگذاری شود و در قالب یک سند حقوقی به آن خاتمه داده شود. در درجه دوم منطقه مورد اختلاف به یک بازار مرزی مشترک تبدیل شود و اتباع ایرانی و افغانی در آن به مبادله کالا پردازند. در درجه سوم و با هدف کم اهمیت کردن مسأله مورد اختلاف، جمهوری اسلامی ایران، تأسیسات گمرک دوغارون را به سمت جنوب یا شمال موقعیت فعلی تغییر دهد. تحت این شرایط وضعیت مرزی موجود که در حال حاضر تحت کنترل ایران است به حال خود باقی می ماند و حساسیت زیادی را نیز ایجاد نمی کند. بر در درجه چهارم، جمهوری اسلامی ایران کلیه نقاط مرزی مورد اختلاف با افغانستان را شناسایی و با افغان ها وارد معامله شود. تحت این شرایط، بعضی از نقاطی را که طرف افغانی ادعای حاکمیت آن را دارد و در عین حال از اهمیت استراتژیکی اندکی برخوردار است با اختلاف مرزی دوغارون معامله شود.

ج: عوامل قاچاق مواد مخدر

پدیده ی مواد مخدر پس از انقلاب صنعتی و اختراع ماشین و نزدیک شدن فواصل بین ملت های جهان به تدریج به عنوان معضل اجتماعی، هستی بشریت را مورد تهدید قرار داده است. امروزه معضل تولید و قاچاق مواد مخدر و اعتیاد از پدیده های شوم کشورها محسوب شده و توانایی های اقتصادی، ظرفیت های امنیتی و انتظامی بسیاری را به خود معطوف داشته و جنبه های فراملی به خود گرفته است. در نیمه ی نخست قرن بیستم پس از کنفرانس شانگهای (۱۹۰۹)، برای محدود کردن مصرف داروهای روان گردان (طبیعی و مصنوعی) تلاش های بیشتری انجام شده و می شود. در نیمه ی دوم قرن بیستم، ارزیابی های کمی دقیق تر امکان پذیر شد. در دهه ی ۱۹۵۰ چین توانست معضل مواد مخدر را حل کند. در همین دهه ژاپن افزایش شدید سوء مصرف آمفتامین را تجربه کرد و آن را تحت کنترل در آورد. در دهه ۱۹۶۰ موج جدیدی از افزایش مصرف مواد مخدر در بسیاری از نقاط جهان به راه

افتاد. (Drug Production in| Afghanistan,2004:32)

حمایت نیرو (ای اس ای) (پاکستان) از گروهک های تروریستی در نا امنی مرزی بین ایران افغانستان

برخی از گروهک های تروریستی نظیر «جندالله» و در شکل جدیدتر «انصار» و «جنبش عدل» در سیستان و بلوچستان و با برخی از علمای تندرو در پاکستان با نیروی اطلاعاتی در ارتباط هستند، که تحت تعلیم آموزش نظامی برخی از عناصر القائده هستند (غفوری و داوند، ۱۳۹۳:۱۰۰). این گروه ها در خاک ایران به عملیات تروریستی دست میزنند و

پس از قتل و جنایت در داخل ایران، به خاک پاکستان متواری و مخفی شدند طالبان معتقدند که آی اس آی با روشی قدرتمندانه، محرمانه و قهری به عملیاتها شکل میدهد. آنها حتی معتقدند که آی اس آی در شورای فرماندهی عملیات عضویت دارد. در واقع، مهارتها و تواناییهای طالبان در سطح تاکتیکی و عملیاتی نشان میدهد که این افراد به صورت دقیق و حرفهای آموزش دیده اند (Giustozzi, 2007:25) به گفته یک مقام ارشد امنیتی سابق افغانستان که اکنون جزو گروه طالبان است، آی اس آی طرح‌ها، راهبردها و تاکتیکها را در اختیار شان قرار میدهد. این مسئله در بیشتر گزارشها ثابت شده است که آی اس آی اطلاعات راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی در اختیار طالبان قرار میدهد (Jones, 2010:266) به علاوه از سال ۲۰۰۳ آی اس آی اردوگاههایی برای سربازان طالبان ایجاد کرده بود که اسلحه، مهمات و امکانات ضروری آنها را از کشورهای خلیج فارس تهیه میکرد (Rashid, 2008:223)

الف: جیش‌العدل

یکی از گروه شبه‌نظامی تروریستی تندروی سلفی مذهب و بلوچ هستند که با کشورمان به مبارزه مسلحانه می‌پردازد. این گروه بعد از نابودی گروهک تروریستی جندا... با سازماندهی مجدد نفرات آن، شروع به فعالیت و اعلام موجودی کرد. رهبری این گروه را «عبدالرحیم ملازاده» ملقب به «صلاح‌الدین فاروقی» فردی از اهالی راسک به عهده دارد. این گروه هم‌اینک به یکی از مهمترین گروه‌های تروریستی در پاکستان تبدیل شده و مورد توجه وهابیون سعودی و امریکایی‌ها قرار گرفته است (حاجی ناصری و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۶)

ب: سپاه صحابه

پس از تأسیس «حزب تحریک فقه جعفری» به عنوان سازمان مدافع حقوق شیعیان پاکستان، سرویس اطلاعاتی پاکستان با حمایت امریکا، عربستان و عراق زمان صدام گروهی از مسلمانان مهاجر دیوبندی را به مبارزه علیه فعالیت‌های محریک فقه جعفری تشویق کرد. (نجفی سیار، ۱۳۹۲: ۱۷۸)

پ: لشکر جهنگوی

در دهه ۱۹۹۰ میلادی سه تن از اعضای برجسته سپاه صحابه پاکستان به نام‌های «ریاض بسرا اکرام لاهوری» و «مالک» گروه تروریستی لشکر جهنگوی را تأسیس کردند. این گروه نام خود را از حق نواز جهنگوی، مؤسس سپاه صحابه برگرفته است (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۴۸) افراد این گروه مسلح‌اند و فعالیت‌هایشان فرقه‌گرایانه است و تشکیلات مستقل مختلفی در پاکستان دارند که هر یک جداگانه عمل می‌کنند و ارتباطی با قسمت‌های دیگر ندارند. افراد این گروه نه تنها در اقدامات خشونت‌آمیز داخل پاکستان دخالت دارند بلکه در افغانستان و کشمیر نیز در کنار طالبان سرگرم مبارزه‌اند. لشکر جهنگوی اساساً گروه تکفیری و دارای ایدئولوژی سلفی و احساسات ضد شیعی است، بدین معنا هر فرد و گروهی که نگرشی متفاوت با نگرش این گروه به اسلام داشته باشد «کافر» می‌پندارد. (میرزایی، ۱۳۹۲: ۱۹۴)

ت: طالبان پاکستان

گروهی شبه‌نظامی افراطی به رهبری «بیت الله محسود» در مناطق قبیله‌ای خودمختار پاکستان است که حکومتی خودمختار و موازی حکومت مرکزی در این مناطق به وجود آورده‌اند. (نجفی سیار، ۱۳۹۲: ۱۲۱) بر اساس برخی تخمین‌ها طالبان پاکستان به طور کلی حدود ۳۰۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰ عضو دارد. در میان اهداف اعلام شده آنها جهاد دفاعی علیه ارتش پاکستان، اجرای شریعت محمدی و حرکت به سمت اتحاد علیه نیروهای ناتو مستقر در افغانستان هم به چشم می‌خورد. پس از کشته شدن مسعود به وسیله حملات هوایی امریکا، حکیم‌الله معاون وی به رهبری این گروه شبه‌نظامی رسیده که هدف اصلی جنبش خود را ایجاد امارت پشتون طالبان در پاکستان و جهاد جهانی علیه کفر اعلام کرد و در سال ۲۰۱۰ میلادی به وسیله هواپیماهای بدون سرنشین امریکا کشته شد و یکی از چهره‌های ارشد طالبان پاکستانی به نام «ملاطوفان» را به رهبری انتخاب کردند. (احمدی، ۱۳۹۱: ۳۱)

ث: اهل حدیث

اهل حدیث طیف گسترده‌ای از عقاید را در درون خود پوشش می‌دهند. برخی جهاد نظامی را واجب عینی دانسته‌اند و برخی آن را در حال حاضر خلاف شرع می‌دانند. مدارس مذهبی اهل حدیث کاملاً تحت نفوذ عربستان بوده و بخش قابل توجهی از طلاب این مدارس غیرپاکستانی‌اند. پیروان اهل حدیث تا حال ۱۷ سازمان و حزب و گروه تشکیل دادند که هر کدام در یکی از شاخه‌های سیاسی، سیاسی مذهبی، تبلیغی مذهبی، تبلیغی فرقه‌ای، جهادی، تبلیغی، آموزشی و فرقه‌ای فعالیت می‌کنند. این جریان به دنبال راهپیمایی‌ها و تظاهرات سیاسی شیعیان در ایام حج در مکه و مدینه، گروهی را تحت عنوان «جنبش تحفظ حرمین شریفین» برای مقابله با اقدامات شیعیان در شهرهای یاد شده، ایجاد کردند. (شفیعی، ۱۳۸۹: ۱۸ ۲)

ج: داعش

داعش که گروهی برآمده از القاعده با خط مشی سلفی - تکفیری می‌باشد، بر اساس مدعیات رهبرانش به دنبال احیای خلافت است. صف بندی شیعه - سنی مهم ترین رکن فکری داعش است و انگیزه آنها برای انتقام و رویارویی با این عنوان به پیش می‌رود. این رویکرد با تضادهایی که با منافع ایران و شیعیان دارد، جغرافیای سیاسی شیعیان و جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌های جدید هویتی، قومی، مذهبی در خاورمیانه مواجه خواهد کرد. (نورانی، ۱۳۹۳ : ۱۵۷)

اختلاف فرقه‌ها پاکستان با ایران

۱- پاکستان باید یک کشور کاملاً سنی باشد.

۲- شیعیان چون مسلمان نیستند! باید یک اقلیت محسوب شوند.

۳- پاکستان باید کلیه روابط سیاسی و اقتصادی خود را با جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشور شیعه قطع کند.

۴- باید از اقلیتهای سنی در کشورهای همسایه از جمله ایران حمایت معنوی و مادی انجام شود. بنابراین یکی از عوامل تشنج و تنش در روابط جمهوری اسلامی ایران و پاکستان، وجود این گروههای افراط گرا در پاکستان است که حتی دولتمردان پاکستان را نیز تحت تاثیر خود قرار داده اند. وهابیت در پاکستان پاشنه آشیل برای این کشور تبدیل شده و دستاورد این فرقه ساختگی، ناامنی و تهدید برای دول پاکستان بوده است و بیم آن می رود که آینده کشور پاکستان با رشد آنان در این کشور، مبهم و در هاله‌های از ابهام قرار بگیرد و ممکن است به افغانستان دیگری تبدیل شود. بی شک، اصلی ترین منبع تنش در روابط ایران و پاکستان، حول مسائل ایدئولوژیک و مذهبی است که تاکنون به تنشهای جدی در روابط دو کشور منجر شده است.

-اهداف پاکستان برای حضور در افغانستان

موقعیت جغرافیایی پاکستان موجب شده است که زمینه حضور این کشور در بازی های نوین سیاسی منطقه کم‌رنگ شود و امکان دستیابی به بازارهای اقتصادی نیز تنها از طریق مسیر افغانستان میسر گردد. طراحان سیاست خارجی پاکستان در زمینه بر آن شدند تا با ایجاد یک دولت ضعیف و مطیع این کشور در افغانستان به اهداف خود نایل آیند؛ اما مخالفت افرادی همچون «احمد شاه مسعود» با این امر موجبات ناکامی هرچه بیشتر پاکستان را فراهم آورد. در این هنگام پاکستان با توسل به انگلستان که بر مسائل روانشناختی و جامعه شناختی منطقه اشراف کامل دارد، به طلب حمایت های فرمانطقه ای برخاسته و به بسیج طالبان مبادرت می ورزد.

۱- بیرون آمدن از انزوای جغرافیایی به واسطه حضور در افغانستان

۲- ایجاد دولتی ضعیف و مطیع اوامر پاکستان در افغانستان

۳- در انحصار داشتن بازار مصرفی افغانستان و دستیابی به بازارهای آسیای مرکزی

۴- کشت و انتقال مواد مخدر طالبان در زمینه سیاست تولید مواد مخدر و صدور آن ۳ محور آبی، هوایی و زمینی را برگزیده اند؛ الف) از طریق جلال آباد به کراچی و بعد به اروپا؛ ب) از طریق قندوز و بندر تورقندی به آسیای مرکزی؛ پ) از طریق حوزه جنوب غرب افغانستان به ایران و بعد به ترکیه و اروپا

۵- جلوگیری از تجزیه پاکستان و ایجاد یک پشتونستان بزرگ

۶- انتقال لوله های نفتی آسیای مرکزی از طریق افغانستان به پاکستان و صدور آن به سایر کشورها؛ لازم به ذکر است که اینکه به واسطه حمایت های سیاسی آمریکا از پاکستان ارزش روپیه این کشور علیرغم درآمد ارزی سالیانه ۹ میلیارد دلار داشتند ۱۲۰ میلیون جمعیت در مقایسه با درآمد ارزی سالیانه ایران که معادل ۲۰ میلیارد دلار با ۶۵ میلیون جمعیت است معادل ۱۹ تومان ایران است.

۷- متمرکز ساختن نیروهای بنیادگرای اسلامی در پاکستان جهت کنترل و هدایت آن‌ها به وسیله مسئولان مدارس دینی و مقامات امنیتی و بدین ترتیب تبدیل شدن به ژاندارم امنیتی منطقه سیاست پاکستان در فرایند دولت سازی در افغانستان

۸- دسترسی به آسیای مرکزی و رقابت با ایران و رقابت در بازارهای منطقه

(ب) استفاده از مسیر ترانزیت خطوط نفت و گاز آسیای مرکزی از طریق افغانستان به پاکستان

۹- بهره برداری از بنادر کراچی و گوادر در رقابت با بنادر چابهار و بندرعباس ایران در هر سه محور اقتصادی جهت رقابت پاکستان به ضرر ایران است و در واقع هر اندازه پاکستان در حوزه اقتصادی موفق باشد ایران به همان اندازه ضرر کرده است.

۱۰- منافع سیاسی : حل اختلافات ارضی با افغانستان و رقابت با هند

۱۱- رقابت با ایران : در هر سه محور، پاکستان تنها وقتی به اهدافش میرسد که یک دولت هم پیمان در افغانستان حاکم باشد و این اهداف با حضور طالبان در قدرت ، میسر بوده و با حذف طالبان نقش پاکستان محدود و در مقابل نقش رقیب منطقه ای آن یعنی ایران توسعه پیدا میکند. ۱- پیدا کردن عمق استراتژیک

۱۲- دسترسی به منابع دست نخورده افغانستان

۱۳- استفاده از افغانستان به عنوان یک پایگاه در جهت پخش نفوذ خویش در آسیای میانه

۱۴- دسترسی به یک راه مواصلاتی به آسیای میانه

۱۵- بوجود آمدن یک حکومت تحت الحمایه

۱۶- ازبین بردن معضل خط دیوبند(عصمت الهی ۱۳۸۹، ۵)

در پاکستان گروه های اسلامی دارای پایگاه حمایتی مستحکمی از جانب ارتش و ای اس ای هستند و مردم در سایه بی اعتمادی نسبت به سیاست دولتهای حاکم، به این گروهها پناه می آورند؛ بنابراین، پرواضح است با وجود چنین وضعیتی، افراطی گری در پاکستان ادامه خواهد داشت. بدون شک تبعات این شکنندگی و بی ثباتی به مثابه تهدیدی جدی به حساب می آید و ادامه این ناآرامی ها هنگامی تهدید جدیتر است که بتواند فضای مرزی بین ایران و افغانستان را متاثر کند؛ بنابراین، با وجود عوامل پیوندگر قومی مذهب، نژاد، زبان در مرزهای ایران، افغانستان و توسعه نیافتگی استانهای مرزی، سیستان و بلوچستان و مناطق شرقی ایران تفسیرهای ایدئولوژیک از مذهب منجر به خشونت و واگرایی مستمری خواهد شد، به طوری که روند پیش بینی آینده روابط دو ایران، افغانستان را با ابهام مواجه کرده است. اصل منازعات پاکستان و ایران حول مسائل ایدئولوژیک به نمایندگی مذهب و قومیت است. شکل گیری گروههای افراطی مذهبی در پاکستان و ایران جندالله، جیش العدل، انصار، طالبان نمونههای از منازعات ایدئولوژیک دو کشور است که ای اس ای بنا به دلایلی و برخی از رژیم های منطقه ای عربستان سعودی بیشتر از دیگران از این گروههای تروریستی حمایت میکنند. امنیت مرزی بین ایران و افغانستان با توجه به اینکه مرزهای شرقی کشور به عنوان یکی از ناامن ترین مرزهای ایران طی چنده ده گذشته بوده است تولید و قاچاق مواد مخدر عامل اصلی این نا امنی به شمار می رود و مبارزه با قاچاق و تولید مواد مخدر از جمله مسائل و منافع مشترک دولت ایران و حکومت کابل محسوب می شود، چرا که مواد مخدر از پشتوانه های مالی طالبان و نا امن کننده مرزهای ایران به شمار می رود. گروه های تروریستی شرق ایران: به نظر می آید ای اس ای پاکستان برای ختنی کردن تفکر قومی جدایی طلب در ایالات بلوچستان به تقویت نیرو های رادیکال اسلامی روی آورده است به همین خاطر این بحث وجود دارد که گروه هایی مانند جیش العدل که علیه ایران به اعمال تروریستی دست می زدند از حمایت پاکستان برخوردارند؛ چنان که شیرین هانتر می گوید «جندالله و رهبر آن عبدالملک ریگی که مسئولیت کشته شدن صدها تن از شهروندان غیر نظامی و نیروهای سپاه پاسداران را بر عهده دارند، نیز به گروه های افراطی گرای پاکستانی و حتی سرویس های اطلاعاتی ای اس ای پاکستان وابسته هستند. پس از گروهک جندالله گروهک های تروریستی دیگری مانند: انصار، جنبش عدل در سیستان و بلوچستان اعلام موجودیت کردند. در حال حاضر با گسترش طالبان با حمایت های نیروی اطلاعاتی ای اس ای پاکستان در افغانستان و همچنین اتاق های فکر ایالات متحده آمریکا (سیا) و رژیم صهیونیستی (موساد) و با پول عربستان سعودی و تجهیزات به جا مانده آمریکا در افغانستان با توجه به قرائن شواهد ملاقاتهای اخیر سپهبد ندیم انجم رئیس سازمان اطلاعاتی ای اس ای پاکستان با اطلاعات سیا و موساد در صدد تقویت طالبان و تفکر داعشی در کشور افغانستان و به مخاطره انداختن امنیت مرزی ایران، افغانستان هستند. به استناد گفته های چهره های سیاسی و شخصیت های حقیقی و حقوقی، به جرات می توان گفت که «طالبان تامین کننده منافع استراتژیک کشور های آمریکا، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، انگلستان و به ویژه پاکستان هستند».

۱. نورانی. سید مهدی (۱۳۹۳) از کاشت تا برداشت به سفارش شهید حاج احمد کاظمی -
۲. میرر ضوی، فیروزه، ۲۱ آبان، (۱۳۹۳) ریشه تنشهای مکرر میان ایران و پاکستان، منتشر شده در: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران
۳. کریمی پور، یدالله، (۱۳۷۹) ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم، چاپ اول
۴. حسین مسعود نیا و داود نجفی، (۱۳۹۰) عوامل موثر در تکوین و رشد بنیادگرایی در پاکستان، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال ۳، شماره
۵. -سجاد پور، کاظم و کریمی قهرودی، مائده، (۱۳۹۰)، رقابت هسته ای هنر، پاکستان و پیامدهای آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۴
۶. محمدی، حمیدرضا، و احمدی، ابراهیم، (۱۳۹۴)، واگرایی در روابط ایران و پاکستان یا تاکید بر افراط گرایی مذهبی، مجله مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۴
۷. غفوری، محمود، داوند، محمد، (۱۳۹۳)، تحلیل تهدیدهای دولت و جامعه ی پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال ششم، شماره ۱۸
۸. عزتی، عزت الله، (۱۳۹۲)، جغرافیای استراتژیک ایران. تهران - انتشارات سازمان جغرافیایی نیروی مسلح
۹. حافظ نیا، محمد رضا، (۱۳۹۲)، مرزهای و جهانی شدن (با نگاهی کوتاه به مرزهای ایران)، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی
۱۰. تمنا، فرامرز، (۱۳۹۰) جایگاه افغانستان در روابط ایران و پاکستان، در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان، به اهتمام طیبه واعظی، تهران، پژوهشگر مطالعات راهبردی، صفحات ۱۱-۸۵

Adler, Emanuel (1997) "Seizing the Middle Ground: Constructivism in World Politics,"

Rashid, Ahmed (2008), Descent into Chaos, How the War against Islamic
Extremism Is Being Lost in Pakistan, Afghanistan and Central Asia",
London: Allen Lane

Cloughley, Brian, A History of the Pakistan Army: Wars and
۲۰۰۰. Insurrections Oxford University Press, USA, :

-Jones, Seth (2010), In the Graveyard of Empires: America's War in
Afghanistan, New York: W. W. Norton & Co.